

خلع سلاح و کنترل تسلیحات کشتار جمعی پس از یازده سپتامبر: همکاری بین‌المللی یا یکجانبه‌گرایی؟

نویسنده: نادر ساعد*

تاریخ تصویب: ۱۱/۷/۵

تاریخ ارائه: ۱۱/۶/۲۵

کلید واژه‌ها

خلع سلاح، کنترل تسلیحات، یازده سپتامبر، سلاحهای کشتار جمعی، حقوق بین‌الملل، صلح و امنیت بین‌المللی.

چکیده

آنچه در تاریخ ۱۱ سپتامبر در ایالات متحده رخ داد، یک رویداد یا حادثه بیش نیست،^(۱) اما این حادثه یکی از مهمترین رویدادهایی است که در طول تاریخ بی‌سابقه بوده است و به دلایل مختلف از جهات سیاسی، اقتصادی و مالی، اجتماعی، علمی و اخلاقی حائز اهمیت ویژه می‌باشد. اما آنچه در این نوشتار مورد توجه اساسی است، بررسی ابعاد حقوقی آن با تأکید بر حقوق بین‌الملل خلع سلاح و کنترل تسلیحات می‌باشد تا به خصوص رویکرد یکجانبه‌گرایی برخی دولتهای غربی در این حوزه، که کاملاً با ماهیت مشارکتی و مبتنی بر همکاری نظم حقوقی بین‌المللی کنونی مغایرت دارد، به تصویر کشیده شود.

براساس تحلیلهای این نوشتار و دستاوردهای آن، در کنار تغییرات حاصله در مفاهیم اصلی و بنیادهای نظام خلع سلاح و کنترل تسلیحات نظیر بازدارندگی هسته‌ای، دفاع ضد موشک و...

* دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران و مدرس دانشگاه.

نشانی پست الکترونیکی: nsa2002@yahoo.com

این‌گونه یکجانبه‌گرایها باید در آستانه‌گذشت یکسال از حادثه ۱۱ سپتامبر، متوقف گردد و تنها بر اساس اصل بنیادین و عرفی همکاری در نظم حقوقی کنونی است که می‌توان به صلح و ثبات جهانی و همزیستی پایدار امیدوار بود.



مقدمه

حادثه ۱۱ سپتامبر در صبح روز ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در شرایطی روی داد که برخورد یک فروند هواپیمای مسافربری به برج تجارت جهانی در شهر نیویورک، گرمایی با شدت حدود ۷۰۰۰ درجه یعنی معادل یک بمب اتمی تاکتیکی پدیدار ساخت^(۲) و در این کشور قربانیانی بیش از کشته‌های امریکا در حمله بندر پرل هاربر در جنگ جهانی دوم را به دنبال داشت.^(۳) بوش در نطق ۲۰ سپتامبر خود خطاب به کنگره اعلام کرد: «یک اخطار به ملت ما داده شد و آن اینکه ما از حمله در امان نیستیم.»^(۴)

چندی پیش دنیا شاهد پنجاه و ششمین سالگرد تصویب نخستین قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل متحد با هدف امحای سلاحهای کشتار جمعی (*Weapons of Mass-Destruction : WMD*) بود.^(۵) اما سالگرد یک رویداد مهم دیگر را نیز باید یادآوری کرد: شصت و سه سال پیش در چنین روزهایی، یک فیزیکدان در دانشگاه کلمبیا اتم اورانیم را شکافت و ضمن تحقق بخشیدن به نخستین آزمایش تجربی شکافت اتم در جهان، موجب پدیداری چالش تولید و گسترش یکی از مخرب‌ترین سلاحهای کشتار جمعی گردید. اینها نمونه‌هایی از مسائلی هستند که بررسی فرایند خلع سلاح و کنترل تسلیحات را ترغیب می‌نمایند، مسائلی که پس از حادثه ۱۱ سپتامبر بررسی دقیق و تعمیق در آنها فوریت بیشتری یافته‌است.

اهمیت تاریخی ۱۱ سپتامبر همانند فروریختن دیوار برلین پس از پایان جنگ سرد، سالها بحث و بررسی خواهد شد و به همین خاطر هیچ نوشته‌ای ادعای بررسی نهایی آن را مطرح نکرده و نخواهد کرد.^(۶) از سوی دیگر، پیچیدگی ابعاد این رویداد چنان است که با وجود مباحث فراوان مطرح شده تاکنون، نمی‌توان به درکی جامع و مانع از گستره و اهمیت آن دست یافت.^(۷) در پرتو آن باید پرسید که آیا پایان تاریخ فرارسیده‌است؟ آیا همان‌گونه که کوفی عنان، دبیرکل سازمان ملل متحد یادآور شده، این حادثه‌ای بوده که ما

خلع سلاح و کنترل تسلیحات کشتار جمعی پس از ۱۱ سپتامبر: ... ۳

را از طریق "دروازه آتش" (*Gate of Fire*) به قرن بیست و یکم وارد کرده است؟^(۸) این حادثه در درجه اول، مقوله تروریسم^(۹) را که تاکنون به این اندازه از اهمیت جهانی نرسیده بود، در صدر برنامه‌ها و دستورکار اقدام جامعه بین‌المللی قرار داد و آن را به عنوان یکی از نگرانیهای جدی جهانی، منطقه‌ای و ملی عصر حاضر برجسته کرد.^(۱۰) باینکه ۱۱ سپتامبر مباحث جدیدی بر فرایند خلع سلاح و کنترل تسلیحات افزوده است اما پیگیری و ادامه دستورکار ناتمام جهانی قبل از این حادثه، برعهده جامعه بین‌المللی دولتهاست. این دستورکار ناتمام، تلاش برای حل مشکلات و مسائل ناشی از سلاحهای کشتار جمعی و پیامدهای آن بر صلح و امنیت بین‌المللی است. اعلامیه هزاره مجمع عمومی سازمان ملل متحد^(۱۱) تعهد دولتها و جامعه بین‌المللی را به امحای خطرات ناشی از این سلاحها یادآوری می‌کند. این خطرات به وسیله تلاشهای مکرر برخی گروههای تروریستی برای دستیابی به سلاحهای کشتار جمعی، افزایش یافته است. با این حال، این گروهها در مناطق مختلف جهان (و از همه مهمتر در کشورهای غربی) وجود دارند و آنچه در رأس دیدگاههای آنان وجود دارد، برخورد و جدال تمدن‌هاست و نه همزیستی مسالمت‌آمیز ملتها.

در تحلیل حوادث ۱۱ سپتامبر، مری رابینسون، کمیسر عالی حقوق بشر ملل متحد^(۱۲)، همانند مقامات سایر نهادهای حقوق بشری، نگرانی خود را از اینکه حقوق بشر در برخورد با تروریستها نقض شود، ابراز داشت.^(۱۳) کوفی عنان نیز به صراحت چنین مطلبی را یادآوری کرده است: «بین اقدام مؤثر علیه تروریسم و حمایت از حقوق بشر هیچ‌گونه معامله‌ای وجود ندارد.»^(۱۴)

با ملاحظه گستره مخارج و بودجه‌های نظامی در جهان، این نگرانی وجود دارد که هنجارهای حقوقی بین‌المللی خلع سلاح و کنترل تسلیحات، در قبال مبارزه با تروریسم پایمال یا تضعیف شوند. با اینکه برخی خلع سلاح را بدون استفاده از هرگونه سند و به صورت نانوشته ترجیح می‌دهند، به یقین دلیلی برای انکار یا بی‌اهمیت نمایاندن معاهدات و کنوانسیونهایی که به عنوان موانع حقوقی در برابر توسعه سلاحهای کشتار جمعی و گسترش سیستمهای پرتاب آنها عمل می‌کنند، وجود ندارد به ویژه اگر این موانع، به صورت جهانشمول و غیرتبعیض‌آمیز باشند. ضرورت پیشگیری از دستیابی گروههای

تروریستی به مواد و فناوری سلاحهای کشتار جمعی اقتضا می‌کند که هنجارهای موجود (*Existed norms*) تقویت شوند و برای اجرای آنها تلاشهای بیشتری صورت پذیرد. تلاش برخی کشورهای غربی به رهبری ایالات متحده این است که معاهدات خلع سلاح و کنترل تسلیحات را از حوزه حقوق بین‌الملل حذف کنند و با اقدامات یکجانبه یا استفاده از اقدامات شورای امنیت، که بر پایه خواست آنها باشد، جایگزینی برای آنها بیابند که قادر به محدود ساختن فعالیتهای نظامی آنان نباشد. این رویکردها هرگز نه با اصول نظم حقوقی کنونی سازگار است و نه می‌تواند منافع کشورهای در حال توسعه (یا فاقد حق و تو در شورای امنیت) را، که اکثریت اعضای جامعه بین‌المللی کنونی هستند، تأمین نماید.

در این نوشتار، برای درک آثار و پیامدهای ۱۱ سپتامبر بر حوزه حقوق بین‌الملل خلع سلاح و کنترل تسلیحات (بند اول)، ابتدا به تلاشها و ابتکارات جامعه بین‌المللی دولتها در زمینه خلع سلاح کشتار جمعی قبل از وقوع این رویداد و تغییرات فوری ناشی از این حادثه اشاره می‌کنیم و سپس تحولات بلندمدت آن و نهایتاً تحولات ناشی از پیوند خلع سلاح کشتار جمعی و مبارزه با تروریسم (بند دوم) و مواردی را که گویای تشدید اعمال رویکرد یکجانبه‌گرایی (*Unilateralism*) توسط ایالات متحده (قربانی اصلی این رویداد و در عین حال، شاید عامل واقعی وقوع آن) می‌باشد، در کنار پیامدهای این سیاستها بر سرفرت حرکت متعادل حقوق بین‌الملل خلع سلاح و کنترل تسلیحات (بند سوم)، تحلیل خواهیم کرد.

بند اول: تحولات خلع سلاح کشتار جمعی پس از ۱۱ سپتامبر

قبل از ۱۱ سپتامبر، برای جامعه بین‌المللی و اغلب بازیگران این جامعه بدیهی شده بود که مخارج و بودجه‌های نظامی جهان (بعد از کاهش در دهه‌های پس از پایان جنگ سرد) باید به سمت کاهش تدریجی حرکت کند. مؤسسه بین‌المللی تحقیقات صلح استکهلم (سیپری) (*Stockholm International Peace Research Institute : SIPRI*) اخیراً گزارش داده که هزینه‌های نظامی جهان در سال ۲۰۰۰ حدود ۷۹۸ میلیارد دلار بوده که بیشترین مخارج متعلق به روسیه و ایالات متحده و در منطقه آفریقا و همچنین جنوب

خلع سلاح و کنترل تسلیحات کشتار جمعی پس از ۱۱ سپتامبر: ... ۵

آسیا نیز به ترتیب ۳۷ و ۲۳ درصد رشد داشته (۱۵) است. (۱۶)

پس از ۱۱ سپتامبر، هم ایالات متحده و هم روسیه افزایش میزان بودجه نظامی خود را اعلام کرده‌اند. بسیاری از کشورهای دیگر تروریسم را به دلیل و بهانه‌ای برای افزایش بودجه‌های نظامی خویش تبدیل کرده‌اند. اگرچه بین این‌گونه سرمایه‌گذاریها و مقابله با تروریسم هیچ‌گونه ارتباط پیوسته‌ای وجود ندارد. (۱۷) یک مفسر امریکایی اعلام کرده که ایالات متحده سالانه ۲۰ میلیارد دلار، در خصوص آمادگی برای انجام جنگ هسته‌ای گسترده با روسیه، هزینه می‌کند در حالی که تنها کمتر از ۲ میلیارد دلار برای مقاصد دفاعی در برابر این‌گونه حملات صرف می‌کند. (۱۸) گزارشهای خبری نشان می‌دهند که بمباران افغانستان حدود ۱ میلیارد دلار در روز برای امریکا هزینه دربر داشته‌است. چندی پیش شرکت‌کنندگان در نشست بین‌المللی در توکیو، میزان بودجه لازم برای تأمین نیازمندیهای فوری بازسازی افغانستان در طول پنج سال آینده را ۱۵ میلیارد دلار یعنی معادل هزینه ۱۵ روز بمباران این کشور ارزیابی کردند (۱۹) و این به خوبی نشان می‌دهد که بمباران افغانستان هرگز سرمایه‌گذاری خوبی در بازداشتن این کشور از تبدیل شدن به یک تقویت‌کننده و حامی تروریسم، در سالهای آتی، نبوده‌است.

تلاشهای جمعی دولتها در مبارزه بین‌المللی با پدیده شوم تروریسم (با تعریفی که جامعه بین‌المللی با در نظر گرفتن سایر مفاهیم حقوق بین‌الملل، و در صورت پذیرش گسترده از سوی دولتها، ارائه خواهد کرد، این مقوله را موضوعی چندبُعدی می‌نمایاند که مستلزم مشارکتهای متعدد، مختلف و هماهنگ دولتها و سایر بازیگران بین‌المللی از طریق سیستم ملل متحد می‌باشد. دلایلی بسیار قوی برای این اعتقاد وجود دارد که حوادث ۱۱ سپتامبر باینکه مستقیماً متضمن آنچه در ادبیات کلاسیک "سلاحهای کشتار جمعی" خوانده می‌شود، نبود، اما در صورتی که از مسأله سلاحهای هسته‌ای غافل نماند، به تقویت فرایند و هنجارهای خلع سلاح منجر خواهد شد. تلاشهای بین‌المللی چندجانبه برای ایجاد، حفظ، اجرا و گسترش این هنجارها در بسیاری از عرصه‌های جهانی در حال انجام هستند و برخی از این تلاشها نیز بنابر اوضاع و احوال بین‌المللی در روزهای نزدیک به حادثه ۱۱ سپتامبر، به فوریت تحقق یافته‌اند.

۱- پیامدهای کوتاه‌مدت: گسترش دامنه خلع سلاح کشتار جمعی

در پی وقوع حادثه ۱۱ سپتامبر، رژیم‌ها و سازمانهای بین‌المللی خلع سلاح کشتار جمعی، با اولویت دادن به مسأله جامعیت، تلاش کردند تا مقوله تروریسم را که پیش از این حادثه اولویت اساسی نداشت، به عنوان شاخص اساسی در بازنگری اقدامات، اهداف و برنامه‌های خویش مورد توجه قرار دهند. بدین‌سان تروریسم هسته‌ای، شیمیایی و بیولوژیک که به تروریسم نامتعارف موسوم‌اند، به جزئی از دستورکار فوری و جدی این سازمانها تبدیل شد.

الف - سلاحهای هسته‌ای

درخصوص سلاحهای هسته‌ای، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی حوادث ۱۱ سپتامبر را "فراخوان بیداری" جهت به عمل آوردن و ابتکار تلاشهای جدید برای تقویت کنترل و نظارت بر امنیت و ایمنی مواد هسته‌ای خواند. از آنجا که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به دلیل رشد زیر صفر بودجه خویش در طول سالهای متمادی فلج شده‌است، پس از ۱۱ سپتامبر و در پرتو پدیداری تهدیدهای جدید، تلاش کرده تا از برخی بودجه‌های تکمیلی، که برای حمایتهای جدید و پاسخگویی به تهدیدهای جدی امنیت و ایمنی فیزیک مواد و تأسیسات هسته‌ای به آنها نیاز دارد، بهره‌مند گردد.

کنفرانس عمومی این آژانس برای جلب توجه تلاشها و ابتکارات بین‌المللی جهت تقویت امنیت فیزیکی مواد هسته‌ای شکافت‌پذیر و سایر مواد رادیواکتیو، قطعنامه‌ای را در ۲۱ سپتامبر تصویب کرد و از مدیرکل خواست تا اقدامات آژانس را برای تقویت کار خویش در زمینه مقابله با اقدامات تروریستی متضمن این‌گونه مواد، بازنگری کند. در اکتبر سال بعد، این آژانس یک همایش تخصصی بین‌المللی را در خصوص بازرسی و تأیید و امنیت مواد هسته‌ای با حضور بیش از پانصد کارشناس ملی و بین‌المللی در زمینه‌های حمایت، عدم گسترش، امنیت و ایمنی هسته‌ای برگزار کرد.^(۲۰)

در اثر تجارب و درسهایی که از حادثه ۱۱ سپتامبر و ترس از تکرار موارد احتمالی آتی حاصل شده‌است، این آژانس به‌شدت به دنبال تقویت نظارت بر اساس کنوانسیون

خلع سلاح و کنترل تسلیحات کشتار جمعی پس از ۱۱ سپتامبر: ... _____ ۷

حمایت فیزیکی از مواد هسته‌ای، شناسایی ضعفها و نحوه جهانشمول کردن آن است تا از این طریق به پیشبرد امحای تهدید کاربرد سلاحهای هسته‌ای یا تروریسم هسته‌ای مبادرت ورزد. اما متأسفانه هنوز خلع سلاح هسته‌ای در دستورکار جامعه بین‌المللی قرار نگرفته است. به نظر می‌رسد که کشورهای غیرهسته‌ای باید از فضایی که در افکار عمومی جهان علیه تهدیدهای سلاحهای کشتار جمعی ایجاد شده است، بهره کافی برده و خلع سلاح هسته‌ای را با مقوله مبارزه جهانی با تروریسم ادغام نمایند.

ب - سلاحهای شیمیایی

مبارزه با کسب یا گسترش سلاحهای شیمیایی که پس از حملات مستمر عراق علیه جمهوری اسلامی ایران شدت بیشتری یافت^(۲۱) و به انعقاد کنوانسیون ۱۹۹۳ پاریس انجامید^(۲۲)، نمونه دیگری است که تلاشها و ابتکارات بین‌المللی چندجانبه بر آن متمرکز شده است. پس از وقوع حادثه ۱۱ سپتامبر و شایع شدن نظریه تروریستی بودن آن، مدیرکل سازمان منع سلاحهای شیمیایی^(۲۳) پیش‌نویس قطعنامه‌ای را در محکومیت این حادثه تهیه کرد تا در شورای اجرایی این سازمان بررسی و تصویب گردد اما به دلایل مختلف، ضمن تغییراتی که در محتوای آن صورت گرفت، از قطعنامه به سطح یک بیانیه مدیرکل تنزل یافت. اما در پاسخ به قطعنامه‌های ضد تروریسم شورای امنیت پس از حادثه ۱۱ سپتامبر، شورای اجرایی سازمان منع سلاحهای شیمیایی به ویژه مسأله تروریسم شیمیایی را در نشست پاییز خود بررسی کرد. در این نشست^(۲۴)، شورای اجرایی بر لزوم تمرکز این سازمان و دولتهای عضو آن بر موارد زیر تأکید کرده است:

- حصول الحاق جهانی به کنوانسیون منع سلاحهای شیمیایی؛
- وضع قوانین اجرای ملی این کنوانسیونها در دولتهای عضو؛
- تأمین و تضمین توان سازمان منع سلاحهای شیمیایی در پاسخ‌گویی به درخواست کمک و حمایت در صورت کاربرد یا تهدید به کاربرد سلاحهای شیمیایی؛^(۲۵)

شورا همچنین یک گروه کاری را برای تهیه و ارائه توصیه‌هایی برای نقش‌آفرینی

سازمان منع سلاح‌های شیمیایی در تلاش‌های چندجانبه ضد تروریسم تشکیل و تأسیس کرده است.^(۲۶) این گروه کاری تدابیر خاصی را در آخرین نشست شورا، که از ۱۹ تا ۲۲ مارس تشکیل شد، ارائه کرد.^(۲۷)

تاکنون^(۲۸) حدود ۷۰ هزار تن عوامل شیمیایی موجود در سراسر جهان به سازمان منع سلاح‌های شیمیایی گزارش و اظهار شده است.^(۲۹) این ذخایر (*Stockpiles*) کاملاً شناسایی و تعیین هویت، بازرسی اولیه و مجدد شده‌اند. علاوه بر این، تمامی تأسیسات اظهار شده تولید سلاح‌های شیمیایی (*Chemical Weapons Production Facilities: CWPFF*) غیرفعال شده‌اند.^(۳۰) بخش وسیعی از صنایع شیمیایی جهان، مشمول نظام بازرسی و تأیید این سازمان هستند.^(۳۱) مواد شیمیایی دارای مصارف دوگانه که در عین قابلیت کاربرد در مصارف صلح‌آمیز می‌توانند به عنوان پیش‌ساز^(۳۲) در تولید سلاح‌های شیمیایی استفاده شوند، تحت کنترل این سازمان هستند و دولت‌های عضو نیز به دلیل حق درخواست بازرسی اتهامی، می‌توانند در هر جا و هر زمان (*Any where, any time*) از تخلفات احتمالی دیگر کشورهای عضو نگران شدند، از سازمان درخواست کنند که فوراً، اماکن و مناطق مورد ظن^(۳۳) را بازرسی کنند.^(۳۴)

برخی قراین نظیر تغییر مدیرکل سازمان منع سلاح‌های شیمیایی، جبهه‌گیری شدید امریکا علیه برخی از دولت‌های عضو این سازمان گویای آنند که احتمال انجام بازرسی اتهامی به حمایت یا ترغیب امریکا علیه دولت‌های اخیر بسیار افزایش یافته است.

ج - سلاح‌های بیولوژیک

در خصوص سلاح‌های بیولوژیک، دولت‌های عضو کنوانسیون ۱۹۷۲ سلاح‌های بیولوژیک به رغم سالها تلاش مستمر نتوانستند در مورد پروتکل بازرسی و تأیید به وفاق عام دست یابند. قرار بود که در کنفرانسی، در ماه مه سال ۲۰۰۲، پیرامون دیدگاه چندجانبه مشترک جهت اجرای تفصیلی منع جهانی سلاح‌های بیولوژیک توافقی حاصل شود. ولی این کنفرانس تشکیل نشد و صرفاً به مذاکرات غیررسمی و پراکنده

خلع سلاح و کنترل تسلیحات کشتار جمعی پس از ۱۱ سپتامبر: ... _____ ۹

رئیس گروه ویژه^(۳۵) با دولتهای عضو خلاصه گردید. امید می‌رود که رشد فزاینده آگاهیهای عمومی از تهدیدهای مربوط به این سلاحها در عین فقدان یک سازمان بین‌المللی مسئول اجرای این هنجار، باعث پیشرفت بیشتری در این حوزه شود. سازمان بهداشت جهانی نیز پیش‌نویسی نهایی از دستورالعمل‌های بین‌المللی در خصوص پاسخگویی به حملات تروریستی با استفاده از سلاحهای بیولوژیک (و همچنین شیمیایی) تهیه کرده‌است. این پیش‌نویس بر همکاری بین‌المللی از جمله از طریق سازمان منع سلاحهای شیمیایی برای آمادگی در قبال این‌گونه حملات احتمالی در آینده، تأکید می‌ورزد.^(۳۶)

علاوه بر تحولات مذکور، به صورت فوری و در جو ناشی از تمرکز افکار عمومی جهانی بر مقوله تروریسم و علل و زمینه‌ها و ابزارهای تحقق و تکرار آن، توسط سازمانهای بین‌المللی درگیر با خلع سلاح و کنترل تسلیحات صورت گرفت، برخی پیامدهای بلندمدت نیز وجود دارند که بررسی آنها بیشتر جالب توجه بوده و دقت نظر دولت‌ها را می‌طلبد.

۲- پیامدهای بلندمدت: تغییر مفاهیم و محورهای خلع سلاح کشتار جمعی

البته پیش‌بینی دقیق پیامدهای خاص و بلندمدت حادثه ۱۱ سپتامبر بر چشم‌اندازهای خلع سلاح، کنترل تسلیحات، عدم گسترش و منجر مشترک آنها، یعنی صلح و امنیت بین‌المللی، دشوار است. پویایی روابط، مؤلفه‌ها و پدیده‌های بین‌المللی و شدت یافتن احتمال وقوع رویدادهای پیش‌بینی نشده‌ای (نظیر ۱۱ سپتامبر) که موجب به هم خوردن اغلب معادلات و قواعد بازی در جامعه بین‌المللی نه چندان سازمان‌یافته کنونی گردد، بر دشواری این اقدام می‌افزاید.

با این حال، به یقین می‌توان گفت که ۱۱ سپتامبر که حداقل یک تراژدی انسانی است، سبب شده که مفاهیم و دکترین‌های غالب در حوزه خلع سلاح و کنترل تسلیحات نظیر بازدارندگی هسته‌ای، عدم پیشدستی و حتی شاخصهای تعیین، تبیین و تعریف سلاحهای کشتار جمعی مورد بازاندیشی قرارگیرد و دیدگاهی کاملاً جدید و بدیع،

گستره اعتبار و اثربخشی دیدگاههای مبتنی بر استفاده از تسلیحات برای مقاصد دفاعی (سلاح به عنوان ابزار دفاع) را (اگر از بین نبرد) تا حد زیادی تضعیف نماید.

الف - تحول بستر بازدارندگی بر مبنای غیرهسته‌ای

این نکته تأسف‌بار کاملاً قابل قبول می‌نماید که قدرتهای هسته‌ای^(۳۷) به‌رغم الزامات رسمی و غیررسمی خویش در خصوص پیگیری خلع سلاح کامل هسته‌ای تحت کنترل و نظارت مؤثر بین‌المللی^(۳۸) و امحای کامل سلاحها و ذخایر زرادخانه هسته‌ای، که در کنفرانس بازنگری معاهده منع گسترش سلاحهای هسته‌ای در سال ۲۰۰۰ موسوم به "ان.پی.تی. ۲۰۰۰" نیز مورد تأیید مجدد قرار گرفته‌است، آمادگی و تمایل چندانی به ایفای این نقش در آینده نزدیک ندارند.^(۳۹)

به یقین در سالهای اخیر، پیشرفتهایی در این خصوص صورت گرفته است که تلاش برخی قدرتهای هسته‌ای برای اعلام عمومی و علنی میزان ذخایر مواد هسته‌ای شکافت‌پذیر، اعلام محدودیتها یا کاهش حجم زرادخانه‌های خویش، توقف تولید مواد شکافت‌پذیر جدید و در برخی موارد، تصویب معاهده منع جامع آزمایشهای هسته‌ای، از جمله آنها می‌باشد.

به نظر می‌رسد که در دنیای امروز، وابستگی به سلاحهای هسته‌ای کاهش یافته است اما لازم است که یک استراتژی جدید با تکیه بر ابزارهای بازدارندگی غیرهسته‌ای پدیدار گردد و استمرار یابد. با این حال، اولویت گسترده یک کشور به انواع پرقدرت سلاحهای متعارف ممکن است سایر کشورها را به کسب سلاحهای کشتار جمعی به عنوان یک ابزار پاسخگویی ترغیب نماید. تأیید مجدد دکترین عدم پیشدستی در کاربرد سلاحهای هسته‌ای، ارزش مستمر سلاحهای هسته‌ای تاکتیکی برای دولتهای برخوردار از آنها، کاهش تولید و عملیاتی کردن سلاحها و همچنین انتقال سلاحهای عملیاتی به مجموعه انباشت و نه تأسیساتی که تخریب آنها به صورت فیزیکی قابل بازرسی و تأیید باشد، انجام یکجانبه این کاهشها در خارج از چارچوب معاهده‌ای الزام‌آور و در نتیجه وجود قابلیت برگشت و رهایی از هرگونه بازرسی و تأیید بین‌المللی، مواردی هستند که

خلع سلاح و کنترل تسلیحات کشتار جمعی پس از ۱۱ سپتامبر: ... _____ ۱۱

دیگر باید جای خود را به ترتیبات و تدابیر حقوقی بین‌المللی چندجانبه دهند و با اوضاع دنیای امروز متناسب گردند. این در حالی است که اخیراً یک مقام ارشد امریکایی رسماً اعلام کرده که این کشور در حال انجام پروژه‌هایی است که بر اساس آن تلاش می‌شود تا قدرت نظامی هسته‌ای این کشور، تا سال ۲۰۲۰ و سالهای پس از آن، حفظ گردد.^(۴۰) بازدارندگی اگرچه از نظر حقوقی چندان قابل دفاع نمی‌باشد^(۴۱) اما صرفاً محدود به حوزه سلاحهای هسته‌ای است. با وقوع حادثه ۱۱ سپتامبر و مطرح شدن هرچه بیشتر خطرات دیگر سلاحهای کشتار جمعی یعنی شیمیایی و بیولوژیک، مرحله‌ای جدید در تضعیف دکترین بازدارندگی هسته‌ای پدیدار گشته‌است. به طور کلی می‌توان دلایل زیر را زمینه‌ساز تحول در بستر نظریه بازدارندگی دانست:

۱- فزونی احتمال بروز تروریسم نامتعارف

یکی از ویژگیهای بارز سلاحهای بیولوژیک^(۴۲) و شیمیایی، سهولت در ساخت آنهاست به طوری که یک دانشجوی شیمی یا علوم بیولوژیک تنها با گذراندن دو ترم می‌تواند دانش آن را فراگیرد. اگر تاکنون از توان بازدارنده سلاحهای هسته‌ای در برابر سلاحهای هسته‌ای یا متعارف دشمن، اطمینان نسبی وجود داشت، اکنون این اطمینان بسیار کاهش یافته‌است. سلاحهای شیمیایی و به ویژه بیولوژیک، دارای گستردگی قلمرو نفوذ و تأثیرگذاری بر جانداران، سهولت در کاربرد، کم هزینه بودن نسبت به سلاحهای هسته‌ای، مخفیانه و ناپیدا بودن زمان استفاده و در نتیجه اطمینان اشخاص پخش‌کننده این عوامل و دستیابی به اهداف موردنظر با کاربرد اندک آنها می‌باشد. ضمن آنکه آثار سلاحهای بیولوژیک، به آثار اولیه محدود نمی‌شود و آثار ثانویه آنها یعنی امکان تبدیل شدن قربانی این عوامل به عاملی بعدی برای گسترش بیماری، ممکن است به یک اپیدمی گسترده منجر گردد. از این رو، این سلاحها نهایتاً آثاری قابل مقایسه با سلاحهای هسته‌ای دربر خواهند داشت.^(۴۳)

۲- تجلی بازیگران غیردولتی در عرصه‌های جدید بین‌المللی

از این پس نقش فرد در عرصه روابط بین‌الملل دیگر به وضعیت استثنایی و غیرمستقیم گذشته محدود نمی‌گردد. اگرچه در خصوص صحت و سقم وجود گروهی موسوم به القاعده، به ویژه اسامه بن لادن و انتساب حادثه ۱۱ سپتامبر به آنها تردیدهای زیادی وجود دارد اما به هر حال، احتمال تکرار این‌گونه وقایع از سوی گروههای تروریستی (که اکثریت قریب به اتفاق آنها در کشورهای عربی یا وابسته و تحت حمایت آنها می‌باشند) چندان محال نیست.

دولتها به عنوان بازیگران اصلی و سنتی جامعه بین‌المللی کنونی باید ضمن به مشارکت طلبیدن نهادهای جامعه مدنی در روند تصمیم‌گیری و قاعده‌سازی بین‌المللی، تدابیری بیندیشند که احتمال حرکت افراد و گروهها به سمت و سوی کاربرد سلاحهای کشتار جمعی به حداقل ممکن برسد.

در این سیر تحولات بین‌المللی، عدم کارایی نظریه بازدارندگی هسته‌ای کاملاً نمایان می‌گردد. اگر بتوان با تکیه بر قدرت هسته‌ای و بار روانی تحمیلی بر کشورهای غیرهسته‌ای آنها را از دست یازیدن به حمله متعارف یا هسته‌ای بازداشت، چنین شاخصهای اثربخشی بازدارندگی هسته‌ای را نمی‌توان در مورد افراد و گروههایی که در برخی نقاط جهان و داخل در قلمرو سرزمینی دولتها مستقر شده‌اند، با همان شدت کلاسیک خود، اعمال نمود. بنابراین، قدرتهای هسته‌ای باید با دست برداشتن از تکیه بر این دکترین سنتی، به خلع سلاح هسته‌ای که خواست افکار عمومی جهانی است، تن دهند.^(۴۴)

ب- نظارت بین‌المللی غیر تبعیض‌آمیز بر موشکهای بالستیک

عرصه دیگر پیشرفت بالقوه در سالهای آینده، کنترل خطرات نهفته در موشکهای دوربرد است اگرچه تلاشهای خلع سلاح چندجانبه جهانی در این زمینه هنوز نمود نیافته‌است. در آوریل سال ۱۹۹۹، دبیرکل ملل متحد با صدور بیانیه‌ای نگرانی از فقدان هنجارهای بین‌المللی چندجانبه در خصوص موشکها و دفاع ضد موشک را متذکر شد.^(۴۵) در سال بعد، مجمع عمومی از دبیرکل خواست تا یک گروه کارشناسی را برای بررسی

خلع سلاح و کنترل تسلیحات کشتار جمعی پس از ۱۱ سپتامبر: ... _____ ۱۳

مسئله موشک در کلیه ابعاد آن تشکیل دهد.^(۴۶) انتظار می‌رود که حادثه ۱۱ سپتامبر فوریتی جدید در تلاشهای مربوط به ایجاد این هنجارها پدید آورد اگرچه نباید مشکلات در پیش‌روی تحقق این هدف را نادیده گرفت.

زمینه‌ها و مبانی فنی و اقتصادی در اینکه گروههای تروریستی خود، بتوانند به زودی به موشکهای بالستیک دوربرد دست یابند، تردید ایجاد می‌کند. با توجه به وجود خواست و اراده سیاسی کافی، که به وسیله حساسیت عمومی در قبال تهدیدهای بین‌المللی تقویت نیز شده است، این احتمال وجود دارد که کشورهای برخوردار از این سلاحها در سالهای آینده تمایل یابند تا برای کاهش اساسی این خطرات، موافقتنامه‌ای چندجانبه منعقد نمایند.

اگرچه انعقاد این معاهدات باید در درجه اول با استفاده‌های دفاعی و صلح‌آمیز از این‌گونه موشکها سازگار بوده و متعاقب کاهش خطرات محیط امنیتی کشورها باشد، نفس طرح انعقاد این‌گونه معاهدات گویای این است که انعقاد هرگونه رژیم غیر چندجانبه و نسبتاً جهانشمولی که در صدد تحدید تولید، انباشت یا استفاده از موشک باشد، رژیمی نامشروع بوده و از مشروعیت حقوقی بین‌المللی برخوردار نخواهد بود. در این راستا، مخاطب اصلی این استنتاج، رژیم کنترل فناوری موشکی^(۴۷) است که دولتهای مؤسس آن تلاش می‌کنند تا این ترتیب سیاسی را به سایر کشورها تحمیل نمایند. در حال حاضر، براساس اصل حاکمیت دولتها، به عنوان اساس نظام کنونی بین‌المللی^(۴۸) و با توجه به فقدان ممنوعیت در فعالیتهای موشکی، هر کشوری می‌تواند در چارچوب و با رعایت سایر قواعد حقوق بین‌الملل، به ویژه به منظور دفاع از استقلال و تمامیت ارضی که مورد حمایت منشور ملل متحد نیز می‌باشد^(۴۹)، به این‌گونه اقدامات دست یازد.

تهدیدهای ناشی از موشکها، بویژه موشکهای بالستیک (اعم از اینکه تصنعی یا واقعی باشد) و خطر تجهیز آنها به سلاحهای کشتار جمعی، مباحثی را در سطح جهان مطرح کرده است که اغلب همکاری بین‌المللی و کنترل ملی صادرات را راه‌حل آن در

شرایط کنونی سکوت حقوق بین‌الملل^(۵۰) می‌دانند. معاون دبیرکل در امور خلع سلاح «همکاری بین‌المللی در کنترل صادرات و تضمین هرچه بیشتر عدم مصرف فناوریهای حساس و همچنین مواد دارای مصارف و کاربردهای دوگانه در ایجاد خطرات جدی برای صلح و امنیت بین‌المللی»^(۵۱) را طریق کاهش این‌گونه خطرات و تهدیدها عنوان می‌کند. اما شرایط ماهوی و شکلی این‌گونه ترتیبات را «جهانشمولی و غیرتبعیض‌آمیز بودن» می‌نمایاند و این دو، از جمله شرایطی هستند که رژیم کنترل فناوری موشکی فاقد آن می‌باشد. گفتنی است که در مقدمه ان.پی.تی. از آرمان امحا و حذف کلیه وسایل پرتاب سلاحهای کشتار جمعی از ذخایر ملی دولتها یاد شده است، ولی واقعیت‌های حاکم بر فرایند و نظام خلع سلاح و کنترل تسلیحات نشان می‌دهند که این آرمان تنها در صورتی محقق خواهد شد که دولتهای قدرتمند نظامی، در این امر پیش‌قدم شده و از این‌گونه ترتیبات در راستای سیاست «خلع سلاح برای همه جز خود» که بر اغلب رژیمهای خلع سلاح حاکم است، بهره‌برداری نکنند.

ج - به سوی رویکردی جدید در خصوص صلح و امنیت بین‌المللی :

تکیه بر ابزارهای غیرتسلیحاتی

در خصوص تهدیدهای ناشی از تروریسم و سلاحهای کشتار جمعی، مهمترین نکته میزان اتکای پاسخگویی و مقابله با این تهدیدها از طریق تسلیحات می‌باشد. آنچه در این رویکرد مبتنی بر تسلیحات در مقوله امنیت مسکوت مانده و جای آن خالی است، تأکید بر نیاز به همکاری بین‌المللی چندجانبه عمیق‌تر بر پایه هنجارهای حقوقی بین‌المللی است که با کمک سازمانهای بین‌المللی جهانی به اجرا درآیند.^(۵۲)

امروزه در پرتو واقعیات حاکم بر خلع سلاح و کنترل تسلیحات شاید بهتر از هر زمان دیگر آشکار شده که تغییر واقعی در تفکرات پیرامون سلاحهای هسته‌ای حتی اگر روزی صورت گیرد، در مرحله تحقق، بسیار کند و در مرحله اجرا، بسیار کندتر خواهد بود.^(۵۳) برای تأمین و تضمین اینکه تلاشهای مقابله با تروریسم بین‌المللی به فرصتی برای رفع آثار این سندروم ناخوشایند تبدیل شود، نیاز به همکاری بین‌المللی گسترده و

مشارکت عمومی از سوی مظاهر جامعه مدنی ملی و جهانی است. برخلاف رویکرد ایالات متحده و اصرار این کشور و اندک متحدینش، تدوین و اجرای تدابیر مؤثر علیه تروریسم نامتعارف و متضمن کاربرد سلاحهای کشتار جمعی، و تحقق خلع سلاح کشتار جمعی به صرف اقدام یک کشور تحقق پذیر نخواهد بود. هیچ کشوری نمی تواند (و حق ندارد) تمامی صادرات جهانی را کنترل نماید، بر نقل و انتقال فناوریهای نظامی نظارت کند و در مقام تضمین اجرای کامل کلیه تعهدات و رژیمهای بین المللی خلع سلاح برآید. برخی از مواد تسلیحاتی نظیر باکتری ها و توکسین ها برای هر شخص (حقیقی یا حقوقی) که بدان دست یابد، خطرناک خواهد بود. چرا که همواره این خطر وجود دارد که در اثر حوادث، سرقت یا اقدام خرابکارانه، این مواد در فضای حیات جمعی منتشر گردند و زندگی جمعیت گسترده ای از انسانها را به خطر اندازند. این مواد، خطرناک زاده شده اند و خطرناک بودن آنها برای انسانها و حتی سایر موجودات زنده، در ذات و ماهیت آنها نهفته است. از این رو، پخش این مواد توسط هر کس و در هر جای دنیا که باشد، ممکن است به زیان کل بشریت تمام شود.^(۵۴)

به همین دلیل، رژیمهای قراردادی چندجانبه نظیر کنوانسیون سلاحهای بیولوژیک، کنوانسیون سلاحهای شیمیایی در صورت حصول جهانشمولی، به تحقق یک هدف امنیتی سه گانه کمک خواهند کرد:

اولاً، از گسترش این سلاحها در میان کشورها جلوگیری می نمایند؛
ثانیا، دستیابی تروریستها را به توانمندیهای مؤثر کشتار جمعی دشوارتر می سازد؛
ثالثاً، نتیجه و خواست عمومی، منصفانه، برابر و جهانی موسوم به خلع سلاح را بهبود می بخشد.

در عین حال، این رژیمها کمک می کنند تا این اهداف بهتر از آنکه یک کشور بتواند با اقدام فردی خویش آنها را محقق سازد، تحقق یابند و این اهداف بهتر از مسابقات تسلیحاتی، که به نام حصول یا حفظ برتری نظامی انجام می گیرند، تأمین گردند.
کوفی عنان در سخنرانی خویش به مناسبت دریافت جایزه نوبل در ۱۰ دسامبر سال گذشته میلادی، از سه اولویت ملل متحد در قرن بیست و یکم یاد کرد: ریشه کنی فقر،

پیشگیری از مخاصمه و بهبود دموکراسی.^(۵۵) این اهداف سه‌گانه‌ای است که به صورت اساسی در تأمین صلح و امنیت بین‌المللی مؤثر خواهد بود. خلع سلاح و کنترل تسلیحات و همچنین حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی "سه مقوله در چارچوب اهداف سه‌گانه"^(۵۶) فوق به ویژه در حوزه پیشگیری از وقوع درگیری و مخاصمه تلقی می‌گردد.

بند دوم: سازمان ملل متحد: پیوند خلع سلاح و مبارزه با تروریسم

سازمان ملل متحد و سایر سازمانهای بین‌المللی درگیر با اهداف خلع سلاح و عدم گسترش، تمامی آنچه در توان دارند برای مشارکت در تحقق این اهداف به عمل می‌آورند.^(۵۷) تمامی تلاشهای ملل متحد در این عرصه را باید در چارچوب دوازده کنوانسیون بین‌المللی، که در طول سالهای گذشته برای تقویت همکاری بین‌المللی علیه تروریسم تصویب شده‌است، مدّ نظر قرار داد. این معاهدات در ترکیب با رژیمهای معاهده‌ای مربوط به امحا و عدم گسترش کلیه سلاحهای کشتار جمعی، ایجاد ساختارهایی اساسی را، برای پاسخ هماهنگ و جهانی جامعه بین‌المللی در قبال تهدیدهای گسترده علیه صلح و امنیت بین‌المللی، در قرن جاری ضروری و الزامی می‌سازند.

سازمان ملل متحد درخصوص مسأله تروریسم، قوی‌تر از دیگران نیست. قطعنامه‌ها و اعلامیه‌های متعدد آن به چند دهه پیش بازمی‌گردند. تحقق و به سر منزل مقصود رساندن این ترتیبات به خواست و اراده سیاسی دولتها بستگی تام دارد. پاسخ ملل متحد در این زمینه نسبتاً سریع بوده و به چند طریق مهم استمرار یافته است.

مجمع عمومی ملل متحد و شورای امنیت در روزهای پس از وقوع حادثه ۱۱ سپتامبر، قطعنامه‌های متعددی را درخصوص این حملات تصویب کرده‌اند. در ۲۸ سپتامبر، شورای امنیت قطعنامه ۱۳۷۳ را به منظور مقابله با تروریستها و کسانی که آنها را تشویق، ترغیب یا کمک می‌کنند، به تصویب رساند. شورای امنیت از طریق این قطعنامه نهادی فرعی و جدید به نام کمیته ضدتروریسم (Counter - Terrorism Commission : CTC) تأسیس کرد تا با سازمانهای بین‌المللی منطقه‌ای و زیرمنطقه‌ای، روشهای گسترش مساعدت به

خلع سلاح و کنترل تسلیحات کشتار جمعی پس از ۱۱ سپتامبر: ... _____ ۱۷

دولتها در زمینه مسائل مالی، قانونی و قضایی را دریابند. این قطعنامه از کلیه دولتهای عضو ملل متحد می‌خواهد تا اقدامات خاصی را که برای اجرای این قطعنامه به عمل آورده‌اند، به کمیته مذکور گزارش دهند.

از ۱ تا ۵ اکتبر، مجمع عمومی با تشکیل نشست ویژه تلاش کرد تا تدابیر امحای تروریسم بین‌المللی را بررسی کند. کوفی عنان در افتتاحیه این نشست در اول اکتبر خواستار تدوین یک استراتژی گسترده، جامع و پایدار درخصوص مبارزه با تروریسم شد. وی به ویژه بر ضرورت تقویت هنجارهای جهانی علیه کاربرد یا توسعه سلاحهای کشتار جمعی تأکید کرد و به عنوان مثال، لزوم انجام تلاشهای بین‌المللی مضاعف را برای تضمین موارد زیر درخواست کرد:

۱- جهانشمولی، بازرسی، تأیید و اجرای کامل معاهدات کلیدی خلع سلاح؛

۲- بهبود همکاری میان سازمانهای بین‌المللی درگیر با این سلاحها؛

۳- تشدید و سخت‌گیری قوانین ملی درخصوص صادرات فناوریهای موردنیاز برای تولید سلاحهای کشتار جمعی و وسایل پرتاب آنها.^(۵۸)

از ۱۵ تا ۲۶ اکتبر، گروه کاری ملل متحد درخصوص تدابیر امحای تروریسم

بین‌المللی (*UN Working Group on Measures to Eliminate International Terrorism*)

تشکیل شد تا تدوین پیش‌نویس جامع کنوانسیون پیرامون تروریسم بین‌المللی را پیگیری نماید. تلاشها برای حصول وفاق عام (*Consensus*) در مورد این کنوانسیون و همچنین درخصوص کنوانسیون مستقل در مورد تروریسم هسته‌ای همچنان ادامه دارد. در ماه اکتبر، دبیرکل "گروه کاری راهبردی درخصوص ملل متحد و تروریسم" (*Policy Working Group on the UN and Terrorism*) را برای احراز و تشخیص پیامدهای بلندمدت و اقدامات راهبردی گسترده‌ای که ملل متحد می‌تواند در تلاش بین‌المللی جمعی علیه تروریسم به عمل آورد، ایجاد کرد. این گروه متشکل از بسیاری ادارات داخل در سیستم ملل متحد، در ژوئن آینده گزارشی را حاوی توصیه‌هایی در خصوص نقش‌آفرینی‌های خاصی که ملل متحد می‌تواند پیرامون این تهدید جهانی به عمل آورد، ارائه خواهد کرد.

در ۲۹ نوامبر، اهمیت پاسخهای چندجانبه به چالشهای تروریسم، خلع سلاح و عدم گسترش از طریق تصویب بدون رأی‌گیری قطعنامه T ۵۶/۵۴ مجدداً مورد تأیید قرار گرفت. این قطعنامه تأکید کرد که "پیشرفت" در عرصه خلع سلاح و عدم گسترش به منظور کمک به حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و مشارکت در تلاشهای جهانی علیه تروریسم «نیازی ضروری و فوری است» و از کلیه دولتهای عضو ملل متحد می‌خواهد تا «تعهدات و الزامات خود درخصوص همکاری چندجانبه در این زمینه‌ها "تجدید" نمایند».^(۵۹)

در ۱۸ ژانویه، شورای امنیت نشستی علنی علیه تروریسم تشکیل داد. در این نشست، دبیرکل از کمیته ضدتروریسم خواست تا یک استراتژی بلندمدت، که کلیه دولتها را به انجام اقدامات لازم برای ریشه‌کنی تروریسم قادر خواهد ساخت، تدوین کند.

این تلاش جمعی تروریسم را موضوعی چندبعدی می‌نمایاند که مستلزم مشارکتهای جمعی متعدد و فزاینده از طریق نظام ملل متحد می‌باشد. حادثه ۱۱ سپتامبر باید جامعه بین‌المللی را به سوی فرهنگ پیشگیری، به جای فرهنگ عکس‌العمل، سوق دهد. گزارش دبیرکل ملل متحد درمورد پیشگیری از درگیری و مخاصمه^(۶۰) که سه ماه قبل از وقوع حادثه ۱۱ سپتامبر ارائه شد، خلع سلاح و کنترل تسلیحات را یکی از ابزارهای کلیدی در خصوص این فرهنگ جدید قلمداد کرده‌است.^(۶۱) اینک باید دید که با توجه به اوضاع و احوال ناشی از ۱۱ سپتامبر آیا دوران خاتمه سیاستهای یکجانبه و اقدامات فردی ایالات متحده در حوزه خلع سلاح کشتار جمعی فرارسیده‌است یا این سیاستها و اقدامات شدت بیشتری به خود گرفته‌اند و نهایتاً موازین و هنجارهای این بخش از حقوق بین‌الملل معاصر از نظر اجرا با چه مشکلاتی روبه‌رو خواهند بود.

بند سوم: یکجانبه‌گرایی ایالات متحده پس از ۱۱ سپتامبر: خاتمه یا حیاتی نو؟

اقدامات دولت جرج بوش در عرصه بین‌المللی، نمودی از پایان چندجانبه‌گرایی به ویژه در حوزه کنترل تسلیحات و خلع سلاح را به نمایش گذاشته است. بوش در هشت‌ماه نخست ریاست جمهوری خویش با اتخاذ سیاستهایی یکسویه به ویژه در خصوص دفاع موشکی ضدبالستیک باعث شد که حتی متحدین این کشور نیز به

مخالفت با آن پیردازند. پیام تلویحی این سلسله اقدامات برای جهانیان این بود: «ایالات متحده آنچه را که خود می‌خواهد و مطلوب می‌داند، انجام خواهد داد و سایر دولت‌ها بیش از آنکه ایالات متحده به آنها نیاز دارد، محتاج به این کشور هستند.»^(۶۲) در حالی که در کنار مقتضیات جدید امنیت بین‌المللی^(۶۳)، اصل برابری تابعان حقوق بین‌الملل و بازیگران جامعه بین‌المللی، در نادرستی این مواضع شکی باقی نمی‌گذارد.

گفته می‌شود که دو اصل، اساس دکترین نظامی دولت بوش و سیاست خارجی این کشور در حوزه خلع سلاح و کنترل تسلیحات را تشکیل می‌دهد: اقدام یکجانبه در کنترل سلاح‌های هسته‌ای با یا بدون مشارکت دشمنان گذشته^(۶۴)، رهایی یافتن از قید سازوکارهای کنترل تسلیحاتی که تاریخ مصرفشان منقضی گشته است یا برای منافع ایالات متحده زیانبار به نظر برسند.^(۶۵)

حوادث غم‌انگیز "دوشنبه سیاه" باید فراخوانی در مورد خطرات سیاست خارجی یکجانبه‌نگر و پیامدهای منفی آنها در عرصه روابط بین‌المللی تلقی شود. یکی از تحلیلگران امریکایی با انتقاد از این سیاست امریکا عقیده دارد: «بهترین و امن‌ترین وضعیت جهانی برای ایالات متحده در بازگشت رئیس‌جمهور به معاهدات چندجانبه و سایر اشکال اتخاذ تصمیم در عرصه جهانی است. اگر قصد بوش کاهش تهدید و قابلیت مرگ‌آفرینی حملات تروریستی علیه امریکا است باید این مسائل را مدّ نظر قرار دهد. رژیم‌های بین‌المللی برای بوش جهت "جنگ با ترور" بسیار ضروری هستند. تروریسم با هر ماهیتی که باشد، تهدیدی بین‌المللی است که یک کشور حتی اگر بسیار قدرتمند باشد، به تنهایی نمی‌تواند با آن مقابله کند.»^(۶۶)

وی در ادامه پیشنهاد می‌کند: «بهترین راه‌حل بوش برای مقابله با گسترش سلاح‌های کشتار جمعی و در نتیجه، خارج کردن سلاح‌های شیمیایی و بیولوژیک از دست کسانی که خطری برای ایالات متحده هستند، در الحاق این کشور به هنجارهای مسلم و معاهداتی است که قبل از این، مورد پذیرش امریکا قرار گرفته بودند.»^(۶۷)

اگرچه قرارگرفتن یکجانبه‌گرایی در دستورکار دستگاه سیاست خارجی ایالات متحده، به گذشته‌های دور و دوران رؤسای جمهور سابق این کشور بازمی‌گردد اما این

سیاست پس از آغاز به کار جرج بوش در سمت ریاست جمهوری ایالات متحده، برجستگی و وضوح کامل یافته‌است به گونه‌ای که با اندک دقتی در این خصوص، این موضوع آشکار می‌گردد. گویا وقوع حادثه ۱۱ سپتامبر به بهانه و دستاویزی عمومی پسند برای تشدید این یکسونگری، توسط مقامات کاخ سفید، تبدیل شده و در پرتو آن، مقابله با معاهدات بین‌المللی خلع سلاح و کنترل تسلیحات و سعی در جایگزین کردن آنها از طریق ترتیبات ملی یا تحمیل این ترتیبات بر جامعه بین‌المللی شدت بیشتری به خود گرفته است.

فهرست برخی از اقدامات یکجانبه‌گرایی دولت بوش را در عرصه خلع سلاح و کنترل تسلیحات، که سبب شده‌است حیات این گروه از رژیم‌های معاهده‌ای متوقف گردد یا اجرای آنها با مانع روبه‌رو شود و یا از تکوین رویه‌ها و ترتیبات تفصیلی اجرایی آنها جلوگیری به عمل آید^(۶۸)، می‌توان به شرح زیر دسته‌بندی کرد.

۱- معاهده موشکهای ضدبالستیک

ایالات متحده آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی (سابق) در سال ۱۹۷۲ با انعقاد معاهده‌ای به نام معاهده موشکهای ضدبالستیک (*Anti - Ballistic Missiles Treaty*) توافق کردند که در چارچوب این رژیم قراردادی دوجانبه، به تحدید تولید و توسعه موشکهای بالستیک خود پردازند و بدین ترتیب ضمن ایجاد تعادل و توازن میان قدرت نظامی به ویژه موشکی و هسته‌ای خویش، از استمرار مسابقه تسلیحاتی بپرهیزند.

در ماه مه ۲۰۰۱ جرج بوش رئیس جمهور ایالات متحده اعلام کرد که دولت وی در مقام دفاع در برابر تهدیدات احتمالی موشکی کشورهایی که برای امنیت ملی ایالات متحده خطرناک‌اند، حتی از کشورهایی که موسوم به خطرات عمده (*Major Threats*) نیز نیستند، کاملاً مصمم است.^(۶۹) وی اظهار داشت که بدین منظور و در این راستا، «ما باید از پشت محدودیتهای معاهده موشکهای ضدبالستیک که رابطه‌ای براساس بی‌اعتمادی و آسیب‌پذیری متقابل [با اتحاد جماهیر شوروی سابق] را دایمی می‌سازد،

خلع سلاح و کنترل تسلیحات کشتار جمعی پس از ۱۱ سپتامبر: ... _____ ۲۱

خارج شویم.»^(۷۰) وی در نهایت، در ۱۳ دسامبر ۲۰۰۱ طی یک یادداشت دیپلماتیک برای روسیه، قزاقستان، اوکراین و بلاروس با اعمال ماده ۱۵ ای.بی.ام. خروج امریکا از آن را اعلام کرد.^(۷۱)

معاهده موشکهای ضدبالستیک یک معاهده دوجانبه است که پس از تلاشهایی که از سال ۱۹۶۷ آغاز شد^(۷۲)، در سال ۱۹۷۲ بین ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی منعقد شد.^(۷۳)

سخنرانی جرج بوش در تاریخ ۲ مه ۲۰۰۱، تغییر اوضاع و احوال را از اوج جنگ سرد در سال ۱۹۷۲ تا دوران کنونی پس از جنگ سرد مورد تأکید قرار داد. وی اعلام کرد که در سال ۱۹۷۲، تهدید اتحاد جماهیر شوروی برای ایالات متحده، تهدیدی "واقعی و واضح" (*Real and Vivid Threat*) بوده است. چند کشور دیگر از سلاحهای هسته‌ای برخوردار بودند ولی بیشتر آنها جزء متحدین امریکا بودند.^(۷۴) وی افزود: «هرگونه تهدید سایر کشورها برای امریکا تهدید کاذب و بعیدی است که هنوز واقعیت نیافته است.»^(۷۵) امروزه دنیا کاملاً تغییر کرده و در مقایسه با گذشته، دنیایی دیگر شده است. روسیه دشمن ایالات متحده نیست. دیگر تهدیدهای واقعی و واضح وجود ندارد. بیشتر کشورها از سلاح هسته‌ای برخوردارند و هنوز بیشتر آنها تمایل به اکتساب و توسعه آن دارند. برخی، فناوری موشک بالستیک دارند و فهرست این کشورها، تعدادی از کشورهای کم مسئول دنیا^(۷۶) را دربر می‌گیرد. به گفته وی «تهدید امروزه از شماری از موشکهای موجود در دست این کشورها نیز نشأت می‌گیرد. معاهده ای.بی.ام. یادآور گذشته است.^(۷۷) هیچ معاهده‌ای مانع از مقابله ما با تهدیدهای امروز نمی‌شود و ما را از تعقیب فناوری موجود برای دفاع از خود، دوستان و متحدین ما، علائق ما و صلح جهانی منع نمی‌سازد.»^(۷۸)

اما مستند تلاش امریکا برای واداشتن روسیه به تجدید نظر در معاهده مذکور، به تهدید به فسخ یکجانبه آن با اتکا بر تغییر بنیادین اوضاع و احوال محدود نمی‌شود. جان بولتون معاون رئیس جمهور در امور کنترل تسلیحات و امنیت بین‌المللی چندی پیش اعلام کرد اگر ایالات متحده و روسیه در خصوص اصلاح معاهده ای.بی.ام. در سالهای

اخیر به توافق نرسند، ایالات متحده (به جای تکیه بر دکترین تغییر بنیادین اوضاع و احوال در حقوق عرفی معاهدات) می‌تواند به ترتیبات مقرر در ماده ۱۵ خود معاهده برای خروج از آن استناد نماید.

ماده مذکور اشعار می‌دارد: «مدت معاهده ای.بی.ام. نامحدود است، اما هر طرف در راستای اعمال حاکمیت ملی خویش حق خواهد داشت در صورتی که وقایع فوق‌العاده‌ای در خصوص موضوع این معاهده، منافع ملی وی را به خطر اندازد، از این معاهده خارج شود.» در کنار انتقاد مقامات سیاسی دولتهای مختلف^(۷۹)، برخی از حقوقدانان نیز این اقدام امریکا را از نظر حقوقی نامشروع دانسته‌اند.^(۸۰)

تنها دستاورد دولت بوش از تعقیب سیستم دفاع ضد موشک، دور شدن متحدین این کشور بوده است. دولتهایی نظیر روسیه و چین را به جستجوی سیستمهایی مشابه ترغیب کرد و معاهده ای.بی.ام. را مورد تهدید قرار داده و موجبات اختتام آن را فراهم کرده است. این درحالی است که این معاهده حدود ۳۰ سال سنگ‌بنای رژیم کنترل سلاحهای بالستیک بوده است. علاوه بر این، اکنون این نگرانیها افزایش یافته که برنامه‌های دولت ایالات متحده برای پی‌گرفتن سیستم دفاع موشکی، مبتنی بر استفاده نظامی از جو و ماورای جو استوار باشد^(۸۱) و موجب گردد که هنجارها و تعهدات حقوقی مربوط به ممنوعیت کاربردهای غیر صلح‌آمیز از ماورای جو به ویژه معاهده ۱۹۶۷ فضای ماورای جو، مستقیماً نقض شوند.^(۸۲)

۲- کنوانسیون سلاحهای بیولوژیک

رژیم خلع سلاح بیولوژیک به دلایل ضعفهای اساسی پروتکل ۱۹۲۵^(۸۳) و همچنین مقررات کنوانسیون ۱۹۷۲ از جمله فقدان یک رژیم مؤثر بازرسی و تأیید پابندی اعضا به تعهدات مندرج در آن^(۸۴)، جامعه بین‌المللی را بر آن داشت تا برای رفع این ضعفها و خلاها، اقداماتی را در سطح چندجانبه به عمل آورد. علاوه بر برگزاری نشست‌های چهارگانه ورکس^(۸۵)، در کنفرانس ویژه سال ۱۹۹۴ تصمیم گرفته شد تا گروهی به نام

”گروه ویژه یا موقت تقویت سلاحهای بیولوژیک“^(۸۶) در چارچوب کنفرانس خلع سلاح تشکیل شود تا پروتکلی الحاقی به این کنوانسیون را مشتمل بر تدابیر تفصیلی و جامع بازرسی، کنترل و نظارت توسط یک سازمان بین‌المللی مستقل را تهیه و تنظیم کند.^(۸۷) به‌رغم گذشت شش سال از فعالیت و تشکیل ۲۴ نشست این گروه در ژنو، ایالات متحده تنها چندی پس از ریاست جمهوری بوش یعنی در ژوئیه ۲۰۰۱، با برهم زدن نشست بیست و پنجم گروه ویژه^(۸۸) اعلام کرد: «هیچ کشوری بیش از ایالات متحده به مبارزه با تهدید سلاحهای بیولوژیک متعهد نبوده است.»^(۸۹)

در ۷ دسامبر به هنگام بررسی مسألهٔ پخش و گسترش عامل سیاه زخم در ایالات متحده از طریق بسته‌های پستی، جان بولتون (بیشتر به دلایل منافع تجاری ملی) از اختتام گروه ویژه حمایت کرد. این اقدام خشم اغلب کشورها حتی امریکا را دربرداشت. دیدگاه متحدین امریکا در مورد پیش‌نویس نشست بیست و چهارم گروه ویژه که در کنار متن تهیه شده توسط رئیس این گروه^(۹۰) هنوز مورد استفادهٔ بیشتر دولتها از جمله جنبش عدم تعهد (نم) (*Non - Aligned Movement : NAM*) می‌باشد، حمایت نسبی است. استدلال آنها در این خصوص این است که نقایص کار در طول مذاکرات قابل حل خواهد بود. این متن حاصل وفاقی نسبی است که در طول شش سال میان ۱۴۳ دولت عضو این کنوانسیون به دست آمده است. نظر اتحادیهٔ اروپا نیز این است که پیش‌نویس این پروتکل به رغم نقایص آن، بهترین راه برای مبارزه با تهدیدهای ناشی از سلاحهای بیولوژیک و استفادهٔ نظامی و جنگی از میکروب می‌باشد.

هیأت نمایندگی ایالات متحده در نشست نوامبر کنفرانس بازرنگری سلاحهای بیولوژیک، مجموعه‌ای خاص از تدابیر را پیشنهاد کرد تا دولتهای عضو را به تقویت کنوانسیون در مبارزه با بیوتروریسم قادر سازد. در این متن که به قصد جایگزینی دستاوردهای گروه ویژه ارائه شد، وضع قوانین و مقررات ملی، استفاده از سازوکارهای موجود نظیر سازمان بهداشت جهانی و شورای امنیت، نظارت بر عملکرد دانشمندان از طریق وضع قواعد رفتاری از جملهٔ این تدابیر بود. به‌رغم اینکه برخی از این پیشنهادها در متن پیش‌نویس سند پایانی این کنفرانس درج شد، اما در آخرین روز کنفرانس ناگهان

هیأت نمایندگی ایالات متحده اختتام کار گروه ویژه را مطرح کرد. این امر باعث به هم خوردن این نشست و از بین رفتن وفاق عام در مورد سند پایانی شد و رئیس کنفرانس درخواست کرد تا این نشست به مدت یکسال به تعویق بیفتد.

قرار بود که این نشست موعود از ۱۰ تا ۱۶ شهریور در ژنو برگزار شود اما به تشکیل جلسه رسمی و عمومی منتهی نشد. به نظر می‌رسد که قصد ایالات متحده به تأخیر انداختن طولانی مدت کنفرانس بازنگری، مقابله با تصویب هرگونه پروتکل بیولوژیک، احاله کامل نظام بازرسی و نظارت بر سلاحهای بیولوژیک به اقدامات شورای امنیت سازمان ملل متحد با تکیه بر ماده ۶ کنوانسیون می‌باشد. اگرچه تصریح به اعطای این‌گونه صلاحیتهای گسترده^(۹۱) به شورای امنیت برای رسیدگی به موارد عدم پایبندی به تعهدات خلع سلاح بیولوژیک بر اساس ماده ۶ این کنوانسیون^(۹۲) مجال دیگری می‌طلبد اما کشورهای فاقد حق و تو در شورای امنیت بویژه کشورهای در حال توسعه، بیشترین زیان‌دیدگان احتمالی اعمال این‌گونه ترتیبات خواهند بود.^(۹۳)

گفتنی است که پس از حادثه ۱۱ سپتامبر دستاویزهای تحدید نقل و انتقال فناوریها و مواد دومانظوره نیز جان تازه‌ای گرفت. در این زمینه، کنگره ایالات متحده که با ممنوعیت اکتساب و نقل و انتقال عوامل و سیستمهای پرتابی بیولوژیک برای مقاصد غیر صلح‌آمیز، تجارت اتباع امریکایی را با سایر کشورها در زمینه‌های صلح‌آمیز نیز بیش از پیش محدود کرده، به نظر می‌رسد که گامی به سمت سلب اعتبار حقوقی ماده ۱۰ کنوانسیون سلاحهای بیولوژیک (بهبود همکاریهای بین‌المللی در زمینه‌های علمی و فنی و عدم تأثیر مقررات کنوانسیون بر توسعه علمی و اقتصادی صلح‌آمیز دولتهای عضو) برداشته می‌شود.^(۹۴)

۳- کنوانسیون سلاحهای شیمیایی

مهمترین نمود تشدید اعمال سیاستهای یکجانبه ایالات متحده پس از حادثه ۱۱ سپتامبر در حوزه خلع سلاح شیمیایی، طرح و تصویب استعفای اجباری مدیرکل مستقل و غیر امریکایی سازمان مبتنی بر این کنوانسیون بوده‌است.^(۹۵) گفتنی است که یکی از رهاوردهای بدیع کنوانسیون ۱۹۹۳ پاریس درخصوص منع سلاحهای شیمیایی، ایجاد

نهادی بین‌المللی و مستقل به نام سازمان منع سلاح‌های شیمیایی است. این سازمان تخصصی که مسئول نظارت بر حسن اجرای مفاد کنوانسیون توسط دولت‌های عضو می‌باشد^(۹۶)، از سه رکن برخوردار است: کنفرانس دولت‌های عضو^(۹۷)، شورای اجرایی^(۹۸) و دبیرخانه^(۹۹). این سازمان همانند هر سازمان بین‌المللی دیگر، یک مدیرکل دارد که در رأس دبیرخانه قرار داشته و عالیت‌ترین مقام اداری و سیاسی آن می‌باشد.^(۱۰۰) تا چندی پیش آقای خوزه بوستانی از برزیل این سمت را برای بیش از یک دوره برعهده داشت اما موضع‌گیری‌های مخالف ایالات متحده علیه وی سبب شد که در نشست بیست و ششم شورای اجرایی این سازمان در سال ۲۰۰۲، استعفای اجباری وی مطرح و بر دیگر اعضای این سازمان تحمیل گردد.

ابتدا ایالات متحده از مدیرکل خواست که به دلیل ضعف مدیریت، استعفا دهد اما وی با اتکا بر اینکه این امر ممکن است موجب ایجاد رویه‌ای در حقوق سازمان‌های بین‌المللی شود و اصل بنیادین استقلال این سازمانها خدشه‌دار گردد، از پذیرش این خواسته خودداری کرد. به همین دلیل این موضوع به شورای اجرایی کشیده شد. از آنجا که شورای اجرایی مشتمل بر ۴۱ عضو می‌باشد^(۱۰۱) و تصمیم‌گیری در آن اصولاً با وفاق عام صورت می‌گیرد، امریکا خواستار اعلام نظر شورای اجرایی شد ولی به علت مخالفت جدی هفت دولت عضو این شورا (از جمله جمهوری اسلامی ایران) شورا نتوانست به وفاق عام دست یابد. از این رو، امریکا پس از اصرار بر موضع خویش و همچنین تهدید به عدم پرداخت حق عضویت خود به سازمان، خواستار تصمیم‌گیری بر مبنای اکثریت درخصوص کناره‌گیری اجباری وی شد که نهایتاً این پیشنهاد با ۱۷ رأی موافق، ۱۶ ممتنع و ۷ مخالف^(۱۰۲) از مجموع ۴۰ کشور عضو حاضر در جلسه به تصویب نرسید.^(۱۰۳)

قبل از اظهار نظر شورای اجرایی، یکی از اعضا پیشنهاد کرد که مشاور حقوقی مدیرکل که در همان جلسه حضور داشت در مورد این موضوع اظهار نظر کند. وی اعلام کرد که به عزل مدیرکل در کنوانسیون اشاره‌ای نشده و چون در زمره اختیارات هیچ یک از ارکان آن نیز نیامده، بنابراین فقط یک کنفرانس اصلاحی است که می‌تواند با اصلاح

کنوانسیون و رفع سکوت در این زمینه، چنین اختیاری را به شورای اجرایی یا کنفرانس دولتهای عضو بدهد.^(۱۰۴) در پایان نشست شورای اجرایی، نماینده ایالات متحده صراحتاً اعلام کرد که خواستار تشکیل یک کنفرانس ویژه دولتهای عضو است و باید در این کنفرانس ظرف حداکثر یک ماه، تکلیف برکناری مدیرکل معلوم شود.

نهایتاً کنفرانس ویژه دولتهای عضو کنوانسیون (که نخستین مورد در طول حیات نزدیک به پنج ساله این سازمان می باشد) در ۲۱ و ۲۲ آوریل ۲۰۰۲ با حضور ۹۷ دولت عضو برگزار شد و با ۴۸ رأی موافق، ۴۳ ممتنع و ۷ مخالف (از جمله جمهوری اسلامی ایران) پیشنهاد امریکا را تصویب کرد. براساس این مصوبه مدیرکل می بایست استعفا می داد و معاون وی به مدت یکماه مسئولیت مدیریت این سازمان را برعهده می گرفت. همچنین قرار شد که در ۳۱ می، اجلاس اضطراری و فوق العاده شورای اجرایی برای انتخاب مدیرکل برگزار شود و در ۱۰ ژوئن، کنفرانس دولتهای عضو جهت تأیید مدیرکل پیشنهادی این شورا اظهارنظر نماید.^(۱۰۵)

در پی مواضع مصرانه ایالات متحده، حوزه بوستانی به رغم دفاعیاتی که از خود به عمل آورد^(۱۰۶)، از سمت مدیرکلی استعفا داد و به جای وی، آقای فیرتر از آرژانتین دومین مدیرکل این سازمان شد. این اقدام علاوه بر تضعیف اصل استقلال سازمانهای بین المللی، مشارکت برابر دولتهای عضو در سازمانهای بین المللی و آثار پیشگیری از آن از جهت بازداشتن مدیرکل آینده از اتخاذ مواضع غیر امریکایی، سبب شده که در کنار "تعیین، عزل و استعفای مدیرکل" مفهومی جدید و مرکب از این دو به نام "استعفای اجباری" در حقوق سازمانهای بین المللی پدیدار گردد. در این مورد با اینکه در یکجانبه گرایی ایالات متحده شکی وجود ندارد^(۱۰۷) اما شکل و ظاهر امر، حالت بین المللی خود را حفظ کرده است، گویی که این تحولات حاصل وفاق عام یا تراضی اکثریت دولتهای عضو بوده است.

نتیجه گیری

درخصوص نگرش به حادثه ۱۱ سپتامبر و تحلیل آن دیدگاههای متفاوتی وجود

دارد.^(۱۰۸) اما به هر حال، این حادثه جهان را از عوامل خطرناک موجود در عصر حاضر (که یکجانبه‌گری در عرصه بین‌المللی از جمله آنها می‌باشد)^(۱۰۹) آگاه ساخت. عموم، گروه‌های ذی‌نفع و قانونگذاران اکنون در تلاش‌اند تا نه تنها تهدیدهای ناشی از تروریسم بلکه خطر استفاده از سلاحهای کشتار جمعی علیه اهداف نظامی و غیرنظامی را نیز به دقت مورد توجه قرار دهند. از این رو، حمله فرقه آئوم شین‌ریکیو (*Aum Shinrikyo*) و پخش گاز اعصاب سارین در مترو ژاپن در سال ۱۹۹۵ و همچنین پخش احتمالی عامل سیاه‌زخم در ایالات متحده و برخی کشورهای دیگر در ماههای اخیر، مقامات عالی کشورهای مختلف را بر آن داشته‌است تا مفروضات خود را مورد بررسی مجدد قرار دهند، سیاستهای قدیمی را باز ارزیابی کنند و راههای بین‌المللی کاهش تهدیدهای مشترک را کشف نمایند.

در این نوشتار تلاش شد تا نهایتاً به این پرسش پاسخ داده شود که پس از حادثه ۱۱ سپتامبر چه تحولاتی در ماهیت و شکل حقوق بین‌الملل خلع سلاح و کنترل تسلیحات پدیدار گشته‌است و در مرحله بعد، سیاست یکجانبه‌نگری ایالات متحده که باروی کار آمدن دولت جرج بوش، بستر خود را از دیپلماسی به قدرت نظامی انتقال داده‌است، با این تحولات، به خاتمه خود رسیده یا آنکه دستاویزی برای تشدید یافته‌است. در این صورت، آینده همکاریهای بین‌المللی چندجانبه که اساس نظم حقوق بین‌المللی پیش از حادثه ۱۱ سپتامبر بوده‌است، چه خواهد شد؟

یکی از صاحب‌نظران در تحلیلی برجسته از پیامدهای وقوع حادثه ۱۱ سپتامبر بر نظام بین‌المللی (که به بحث این نوشتار و پاسخ به سؤال فوق نیز مربوط می‌شود) می‌نویسد:

«بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر همکاریهای بین‌المللی صلح‌آمیز چندجانبه‌گرا پایان نیافتند. بلکه با توجه به حرکت‌های دولت امریکا، قواعد بازی اولاً جنبه نظامی بیشتری به خود گرفته و این باعث ایجاد تغییر در گفتمانهای بین‌المللی شده... ثانیاً یکجانبه‌گرایی در مقابل چندجانبه‌گرایی مطرح گردید. این تحول همه کشورها را از جمله ایران متأثر ساخت.»^(۱۱۰)

در این گیرودار به نظر می‌رسد که میزان قدرت بقای همکاری بین‌المللی تحت الشعاع یکجانبه‌گرایی امریکا قرار گرفته و بسیار تضعیف گردیده‌است. به عنوان

مثال، اگرچه این کشور به دنبال راضی کردن اغلب کشورهای مهم برای حمله به عراق است و شاید بتوان این اقدامات را یک نوع همکاری تلقی کرد، اما واقعیت آن است که شکل، محتوا و ترتیبات حاکم بر همکاری بین‌المللی، رنگ و بویی دیگر یافته است و این همان چیزی است که در این نوشتار از آن به "دستاویز شدن حادثه ۱۱ سپتامبر" و استفاده کامل امریکا از آن به عنوان فرصتی بسیار استثنایی برای به حداکثر رساندن منافع حاصل از آن برای امنیت ملی خویش، یاد شده است. از طرف دیگر، سعی شده تا قواعد بازی یا برخی از آنها در پی فرصت به دست آمده، به وسیله این کشور دگرگون گردد به گونه‌ای که از مداخله نظامی در افغانستان برای مقابله با تروریسم به عنوان مبنایی برای تغییر قواعد بنیادین منشور ملل متحد و تغییر نظم حقوقی کنونی در حمایت از حقوق بشر تعبیر شده است.^(۱۱۱) نمای بیرونی این پدیده، همان چیزی است که از آن به تلاش امریکا برای «بیرون آمدن از بحران معنا و برخورد با پدیده جهانی شدن و بهره‌برداری از آن برای عملیاتی کردن تفکر ایجاد نظم نوین جهانی»^(۱۱۲) یاد می‌شود.

جرج بوش در مقاله‌ای که در نیویورک تایمز به چاپ رسانده است سیاست "جنگ حال برای صلح آینده" را مطرح کرده و می‌نویسد: «ما از بهترین فرصت همه نسلها برخورداریم تا دنیایی بسازیم که در آن قدرتهای بزرگ به جای جنگ، برای صلح همکاری کنند»^(۱۱۳) ولی در چند بند بالاتر، ابعادی روشن‌تر از این دنیای مورد توجه ایالات متحده را ترسیم می‌کند و آن دنیایی است «آکنده از صلح و آزادی فزاینده که منافع بلندمدت امریکا را تضمین نماید»^(۱۱۴) اگرچه "صلح" آرمانی است که مطلوب همگان یا حداقل اکثریت مردم جهان می‌باشد، اما این صلح آرمانی و حقیقت موعود با واقعیت موجود فاصله‌ای بسیار دارد. عوامل و زمینه‌های وقوع چالش و نزاع بین‌المللی، فراوان‌اند.^(۱۱۵) از این‌رو، تأمین این غایت و مطلوب عموم، تنها با مبارزه با تروریسم یا سلاحهای کشتار جمعی آن هم در فضایی غیرجهانشمول تأمین نخواهد شد. چه بسا، این‌گونه محدودنگری در توجه به عوامل تهدیدکننده صلح و امنیت بین‌المللی، خود به تکوین عاملی تهدیدکننده‌تر تبدیل گردد. به نظر می‌رسد در اینکه یکجانبه‌گرایی از قابلیت بالایی برای برهم‌زدن حداقل نظم کنونی در جامعه بین‌المللی برخوردار است، نباید تردید داشت. آگاه ساختن مسئولین و کلیه بازیگران ملی و بین‌المللی از خطرات

خلع سلاح و کنترل تسلیحات کشتار جمعی پس از ۱۱ سپتامبر: ... _____ ۲۹

عدیده ناشی از این سیاستها (که متأسفانه در دستورکار تعدادی محدود از دولتها قرار گرفته است) حداقل نقش بر حقوقدانان در ایفای وظایف انسانی و در جهت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است.

یادداشتها:

- ۱- اما در اسناد سازمان ملل متحد (شورای امنیت، مجمع عمومی و نهادهای حقوقی بشری) از این حادثه به عنوان اقدام یا حمله تروریستی یاد شده است که اعتبار حقوقی این اوصاف و مفاهیم در جای خود قابل بحث می باشد. درخصوص بررسی تلاشهای غرب برای حمله مسلحانه نامیدن این اقدام و پیامدهای زیانبار آن بر حقوق بین الملل منشور، ر.ک. به: جمشید ممتاز، "ابعاد حقوقی مقابله با تروریسم بین المللی"، *بولتن مرکز مطالعات عالی بین المللی*، (شماره اول، دی ماه ۱۳۸۰)، صص ۱۳-۱.
- ۲- سیدکاظم سجادیپور، "۱۱ سپتامبر و چالشهای سیاست خارجی ایران: مسائل کهن و قالبهای نو"، *سخنرانی در پژوهشکده مطالعات راهبردی*، (۲۰ شهریور ۱۳۸۱).
- 3- S. Flynn, "Morning after the Millenium's Pearl Harbor", *Council on Foreign Relations*, (13 Sep. 2001).
- 4- <http://www.usinfo.gov/spechs.htm>.
- 5- UNGAR Res.
- ۶- به همین دلیل، این نوشتار صرفاً به پیامدهای این حادثه بر مقوله خلع سلاح و کنترل تسلیحات آن هم در محدوده سلاحهای کشتار جمعی خواهد پرداخت و بس.
- ۷- حسن رهپیک، "تحولات حقوقی در حوزه امنیت داخلی امریکا پس از ۱۱ سپتامبر"، *چکیده سخنرانیهای مقاله های نشست تخصصی ۱۱ سپتامبر: نگاه ایرانی*، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ص ۳.
- 8- <http://www.un.org/new.htm>.
- 9- See R. A. Froedlander, "Terrorism", *EJIL*, Vol.IV, (Amesterdam, North-Holand, 2000), p.845 et seq.
- 10- See press Release GA/10007,12/12/2001.
- 11- Millenium Declaration of the UN General Assembly
- 12- Mary Rabinsun, *The UN High commissioner of Human Rights*
- 13- Jayantha Dhanapala, *UN Undersecretary-General for Disarmament Affairs, Speech before the Arms Control Association*, (22 jan, 2002).

14- <http://www.un.org/newscenter.htm>.

۱۵- البته مناطق اروپا و امریکا تاکنون به اندازه کافی بودجه برای امور نظامی صرف کرده‌اند. به همین دلیل، در این‌گونه گزارشها حتی اگر این بودجه‌ها ثابت باشد، از آنها به عنوان مناطقی که شاهد افزایش هزینه‌های نظامی بوده‌اند، یاد نمی‌شود.

16- *The SIPRI Yearbook 2002 : Armaments, Disarmament and International Security*, (Oxford : Oxford University Press, 2002), Chapter 6.

۱۷- در این خصوص بهتر است که به بودجه نظامی اخیر ایالات متحده توجه کرد که سنا به دلیل حادثه ۱۱ سپتامبر و استدلالهای مقامات پنتاگون، مبنی بر لزوم مقاله با تروریسم، در برابر آن نرمش بسیار زیادی از خود نشان داد و آن را تصویب نمود.

18- J. Dhanapala, *Op.Cit.*, p.3.

19- *Ibid.*, p.4.

20- *Ibid.*, p.6.

۲۱- جمشید ممتاز، *حقوق بین‌الملل سلاحهای کشتار جمعی*، ترجمه و تحقیق امیرحسین رنجبریان، (تهران: دادگستر، ۱۳۷۵)، ص ۲۴.

22- Dieter Fleck, "Development of the Law of Arms Control as a Result of the Iraq-Kuwait Conflict", *EJIL*, (April, 2002).

23- *The Organization for the Prohibition of Chemical Weapons (OPCW)*

24- <http://www.opcw.org/Doc.htm>.

۲۵- همان‌طور که ملاحظه می‌شود، حداقل دو مورد نخست این تدابیر با آنچه دبیرکل ملل متحد در نشست فوق‌العاده مجمع عمومی مطرح کرده‌است، یکسان می‌باشد.

26- *OPCW Capabilities Relevant to the Global Struggle Against Terrorism, S/294/2002*, (Feb., 2002).

۲۷- تشکیل این گروه کاری را نیز می‌توان با تشکیل گروه کاری دبیرکل ملل متحد مقایسه کرد. به نظر می‌رسد که علت اصلی تشابه اقدامات شورای اجرایی *OPCW* با اقدامات ملل متحد در این است که این سازمان و دولتهای عضو آن مسئولیت اصلی مقابله با کلیه اشکال تروریسم را در وضعیت فعلی برعهده ملل متحد می‌دانند و حتی با توجه به پیگیری شدید این امر از سوی شورای امنیت، ترجیح می‌دهند که اقدامات آنها، تکرار اقدام ملل متحد و یا تأییدکننده آن باشد و بس.

۲۸- در خصوص اطلاعات دقیق و تفصیلی پیرامون این وضعیت‌ها، ر.ک. به:

EC-29/CRP.1, (10 June 2002).

۲۹- براساس ماده ۳ کنوانسیون سلاحهای شیمیایی، این اقدام که از تدابیر شکلی خاصی تبعیت می‌کند، "اظهار" نام دارد. این اقدام، عملی یکجانبه و مکتوب از سوی دولتهای عضو است که در راستای انجام یک تعهد قراردادی چندجانبه صورت می‌گیرد و سند مذکور "اظهارنامه یا *Declaration*" نامیده می‌شود.

۳۰- این یکی از تعهدات کنوانسیون برای دولتهای عضو دارای این‌گونه تأسیسات می‌باشد که بلافاصله پس از لازم‌الاجرا شدن کنوانسیون نسبت به خود، تأسیسات مذکور را از فعالیت عملی در زمینه تولید سلاحهای شیمیایی یا حتی قابلیت تولید خارج سازند. ر.ک. به: ماده ۵ کنوانسیون سلاحهای شیمیایی.

۳۱- البته هنوز در مورد گرایش صنایع شیمیایی به سمت تولید سلاحهای کشتار جمعی، نگرانی‌ها مرتفع نشده‌است. برخی از دارندگان صنایع پیشرفته شیمیایی جهان (نظیر عراق، رژیم صهیونیستی و...)، هنوز از قبول این نظام بازرسی و تأیید امتناع ورزیده‌اند و در نتیجه، از این‌گونه نظارت‌های بین‌المللی، پیوسته و مستمر، طفره رفته‌اند.

32- *Precursors (see para.3, Art.2, CWC).*

۳۳- البته کشورهای عضو می‌توانند براساس اصل همکاری مندرج در حقوق بین‌الملل عرفی و همچنین همکاری مصرح در این کنوانسیون (بندهای ۱ و ۲ ماده ۱۲ کنوانسیون)، از طریق رایزنی و مذاکره یا بازرسهای دوجانبه اختیاری به حل این‌گونه اختلافات و نگرانیها اهتمام ورزند.

۳۴- بندهای ۱۲ به بعد ماده ۹ کنوانسیون و بخش ۱۰ ضمیمه بازرسی و تأیید کنوانسیون سلاحهای شیمیایی.

۳۵- مسئولیت ریاست این گروه برعهده تیپور تات، دیپلمات تبعه آفریقای جنوبی می‌باشد.

36- *J. Dhanapala, Op.Cit., p.8.*

۳۷- منظور دولتهایی است که از دهه‌های ۱۹۴۰ تا قبل از اول ژانویه ۱۹۶۷، یک سلاح یا وسیله انفجاری هسته‌ای ساخته یا منفجر کرده‌اند. به همین دلیل، دکتر جمشید ممتاز خلع سلاح هسته‌ای را در شرایط کنونی، امری نامقدور دانسته است. (ر.ک. به: جمشید ممتاز، "حقوق بین‌الملل سلاحهای کشتار جمعی"، پیشین، ص ۳۶). پس از آزمایشهای هسته‌ای هند و پاکستان، این دو کشور از "کشورهای هسته‌ای آستانه" به ردیف دارندگان سلاح هسته‌ای رسیده‌اند اما این دو کشور به همراه رژیم صهیونیستی، از نظر حقوقی (ماده ۹ ان.پی.تی.) جزء قدرتهای هسته‌ای نبوده و از امتیازات حقوقی آنان برخوردار نیستند.

38- *Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons, Advisory Opinion, ICJ Rep., 1996, para. F(2)105, p.560.*

۳۹- این در حالی است که برخی کارشناسان و صاحب‌نظران روابط بین‌الملل، از تلاش ایالات متحده برای کاهش یکجانبه سلاح‌های هسته‌ای خود و دگرگونی اساسی آن در استراتژی کنونی این کشور یاد می‌کنند. ر.ک. به: حسین دهشیر، "تروریسم و سیستم دفاع موشکی"، *سیاست خارجی*، (شماره ۴، زمستان ۱۳۸۰)، ص ۱۱۸۰.

40- *Dhanapala, Ibid., p.*

۴۱- جمشید ممتاز، *پیشین*، ص ۷۳.

۴۲- سلاح‌های بیولوژیک به میکروبیایی با مشتقات موجودات زنده اطلاق می‌شود که درمخاصمات مسلحانه بین‌المللی و غیربین‌المللی به عنوان یک وسیله جنگی استفاده می‌شود و ویژگی مهم آنها آن است که تأثیرشان وابسته به تکثیر در داخل ارگانیسم مورد هدف بوده و برای آنکه باعث بیماری یا مرگ در انسان، حیوان یا نبات گردد، در جنگ مورد استفاده قرار می‌گیرند. ر.ک. به: محمدحسن اسماعیلی و سایرین، *جنگ‌افزارهای شیمیایی و بیولوژیک: ویژگی‌های، صدمات بهداشتی و درمانی*، (شیراز: دانشگاه شیراز، ۱۳۶۵)، ص ۴. همچنین دکتر مهدی احدی و سایرین، *عوامل جنگی بیولوژیکی*، (تهران: علوی، ۱۳۷۵)، ص ۱.

43- *M. Chevrier, "Trenghening the Biological Weapons Convention", Disarmament Diplomacy, No.7, (July/August, 1996), p.8.*

44- *See : J. Cirinicione and J. Wolfsthal, "What If the New Strategic Framework Goes Bad?", Arms Control Today, Vol.31, No.9, (Nov., 2002).*

45- <http://www.un.org/news>.

46- *C. Levin, "A Debate Deferred : Missile Defense After the September 11 Attacks", Arms Control Today, (Nov., 2002).*

47- *Missile Technology Control Regime (MTCR).*

۴۸- شاید به همین دلیل است که بند ۱ ماده ۲ منشور فعالیت ملل متحد در تحقق اهداف مقرر در ماده ۱ را "حاکمیت دولتها و برابری این حاکمیتها" دانسته است.

۴۹- بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد، یکی از شاخصهای اساسی نامشروع بودن توسل به زور توسط دولتها در روابط بین‌الملل را صدمه‌زدن به "استقلال سیاسی یا تمامیت ارضی دولتها" دانسته است.

50- *Non - Liquet or Silence by Law*

51- J. Dhananpala, *Op.Cit.*, p.11.

۵۲- البته برخی کارشناسان، با تأکید بر سطوح ملی و درون ملی حقوق و سیاست، صرفاً از نگرشهایی در این حوزه حمایت و استقبال می‌کنند که منصرف از نگاه به بیرون، به ویژه طرح موضوع در چارچوب سازمانهای بین‌المللی باشد. اگرچه ممکن است این دیدگاه در جای خود قابل حمایت باشد، ولی با واقعیت‌های دنیای امروز سازگار به نظر نمی‌رسد. در حالی که ابزارهای بازی در میدان بین‌المللی عملاً یکسان نمی‌باشد. هنر بازی در این میدان در این است که با بهره‌گیری از فنون بدیع و تکیه بر خوداندیشی و خودباوری، از شکست خوردن در برابر رقیب که در عین حال از امتیازات زیادی در حد برد برخوردار است، جلوگیری کرد.

۵۳- البته این حقیقت مانع از آن نیست که کشورهای غیرهسته‌ای، با استفاده از ابزارهای مختلف در اختیار و دسترس خویش، قدرتهای هسته‌ای را به پیگیری روند خلع سلاح هسته‌ای وادار نمایند.

54- See : Susan Wright (ed.), *Preventing a Biological Arms Race*, (Cambridge : The MIT Press, 1990), Specially Chap. (44) II, pp.78-100.

55- <http://www.un.org/new>

56- J. Dhananpala, *Op.Cit.*, p.9.

۵۷- در خصوص این اقدامات ر.ک. به :

Press Release, GA/FIS/3206, (17/10/2001)

58- Secretary - General , Calls for Immediate Far - Reaching Changes in Response to Terror, (1 Oct. 2001), <http://www.un.org/news/press.htm>.

59- UNGA Res./46/54T.29 No.2002.

60- A/55/985-S/2001/574, 7 June 2001.

61- *Ibid.*, pp.21-23, para.86-93.

62- L. Korb and A. Teirsky, *Op.Cit.*, p.2.

63- Adam Daniel Roteld, "Introduction : Global Security after 11 september 2001", <http://editors.sipri.se/pubs/yb02/intro.html>, (3 - July - 2002).

۶۴- در این مسیر به نظر می‌رسد که ترجیح دولت امریکا، همگام کردن دیگر دولتها به ویژه همتای قدیمی معاهداتی خویش یعنی روسیه می‌باشد. در این خصوص ر.ک. به :

R. Gottemeoller, "The New U.s. - Russian Nuclear Agreement", *Proliferation Brief*, Vol.5, No.9, (May 13, 2002).

65- R. Gottemoeller, "Arms Control in a New Era", **Proliferation Brief**, Vol.5, No.5, (March 18, 2002), p.1., In : *Canegie Endowment* <<http://www.ceip.org/npp>>. And also **Washington Quarterly**, (Spring 2002).

66- *Ibid.*, p.8.

67- *Ibid.*

۶۸- گفتنی است که این سیاستها درخصوص معاهده منع جامع آزمایشهای هسته‌ای، اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، کنوانسیون مینهای ضدنفر، پروتکل کیوتو و ... نیز اعمال گردیده‌است.

69- *President Bush Speech on Missile Defence, May 1, 2001, (National Defense University, Washington D.C.)*, www.fas.org/nuke/control/abmt/news/01051bush.htm.

70- *Ibid.*

71- *U.S. Department of State, Office of the Spokesman, Dec.14, 2001.* www.fas.org/nuke/control/abmt/news/diplomatic121401.htm ; and also <http://usinfo.state.gov/>

72- www.fas.org/nuke/control/abmt/chron.htm.

73- www.fas.org/nuke/control/abmt/text/abm-art.htm.

74- *Most of those who did were responsible allies.*

75- *was mostly a distant threat, not yet a reality.*

76- *World's Least Responsible*

77- *Enshrines the past*

78- <http://www.fas.org/nuke/control/abmt.htm>.

۷۹- ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه در انتقاد از تصمیم ۱۲ دسامبر بوش اعلام کرد: «ما آن را یک اشتباه می‌دانیم ... روسیه در درجه اول علاقه‌مند به حفظ و تقویت بنیادها و تأسیسات حقوقی بین‌المللی در عرصه خلع سلاح و عدم گسترش سلاحهای کشتار جمعی است و این موضوع را دنبال کرده‌است.»

80- *Andre de Hoogh, "Respose to Addendum", <<http://www.asil.org/insights.htm>>, Aug. 2002: and Vice Versa Fredric L. Kirgis, "proposed Missile Defenses and the ABM Treaty : Addendum", www.asil.org/insights.htm Aug. 2001, p.2.*

81- *L. Korb and A. Tiersky, "Re-Evaluate Missile Defence and Weaponization of Space", Arms Control Today, (Oct., 2002), p.4.*

82- See : Rebecca Johnson, "Multilateral Approaches to Preventing the Weaponization of Space, *Disarmament Diplomacy*, (April 2001).

۸۳- ر.ک. به : جمشید ممتاز، *مأخذ پیشین*، صص ۱۹-۲۰.

۸۴- ر.ک. به : همان منبع، صص ۷۰-۷۲.

۸۵- در ماده ۵ اعلامیه نهایی کنفرانس سوم بازننگری کنوانسیون سلاحهای بیولوژیک مقرر شد که گروه ویژه از کارشناسان دولتی تشکیل شود تا تدابیر بالقوه بازرسی را شناسایی و از نقطه نظر علمی و فنی بررسی کنند. این گروه به ورکس (*Verification Exports or VEREX*) موسوم است و چهار نشست از ۳۰ مارس ۱۹۹۲ تا ۲۳ سپتامبر ۱۹۹۳ در ژنو تشکیل داد.

86- *Ad Hoc Group (AHG)*.

87- *UN, AHG of thd SPs of the BTWC, Procedural Report, BWC/AD. HOC GROUP/3, 6 June 1995.*

۸۸- این در حالی بود که نماینده این کشور و دستیار وزیر امور خارجه در امور خلع سلاح در کمیته اول مجمع عمومی، درنطق خویش به تاریخ ۱۰ اکتبر ۲۰۰۱، کاربرد سلاحهای بیولوژیک حتی توسط دولتها، سازمانها و افراد را جنایتی علیه بشریت تلقی نمود. ر.ک. به:

USUN Press Release # 137(01). 10 Oct., 2001.

89- *L. Korb and J. Tiersky, Op.Cit, p.7.*

90- *Chairman text*

۹۱- به نظر می رسد که صلاحیت گسترده شورای امنیت در پرتو مسئولیت حفظ صلح و امنیت بین المللی و مرجعیت خود شورا در تفسیر سیاسی و عملی آن، متضمن این گونه اختیارات نیز هست لیکن از آنجا که در خصوص محدوده این صلاحیت، اختلاف نظر وجود دارد، تصریح به اختیار شورا در امور بیولوژیک، آب در آسیاب دیگران ریختن است.

92- See : John R. Bolton, "The Biological Weapons Convention : Challenges and Opportunities", *CNS Branch Office : Washington, D.C. Briefing Series, in : Center for Non-proliferation Studies Homepage* (January 11, 2002).

۹۳- گرچه تأسیس سازمانی مستقل برای خلع سلاح بیولوژیک نیز چندان به مصلحت نمی باشد اما در برابر پیشنهاد فعال شدن انحصاری شورای امنیت در این زمینه ها بهتر است از تأسیس سازمانی مستقل حمایت شود. دفع افسد به فاسد عقلاً و شرعاً ضروری است.

۹۴- این در حالی است که مقررات این ماده که یکی از شاخصهای اساسی ارزیابی مزایای عضویت در

کنوانسیون از سوی کشورهای در حال توسعه بوده است، همواره بر اجرای آن تأکید داشته اند.

۹۵- این گونه سیاستها سابقه ای دیرینه دارد. به عنوان مثال در مورد نقض کنوانسیون سلاحهای شیمیایی توسط این کشور، ر.ک. به : نادر ساعد، "نقد و بررسی حقوقی قانون اجرای ملی ۱۹۹۸ ایالات متحده امریکا در خصوص اجرای ملی کنوانسیون سلاحهای شیمیایی"، *مجله سیاست دفاعی*، (سال نهم، شماره ۳، تابستان ۱۳۸۰)، صص ۸۴-۶۵.

96- See : J. Rautenbach, "Legal Rights and Obligations under the Chemical Weapons Convention", *Course for Personnel of National Authorities*, (Ypenburg, 24 Aug. - 1 Sep., 1998).

۹۷- رکن اتخاذ تصمیم و سیاستگذاریهای کلان.

۹۸- رکن اجرایی و اتخاذ تصمیمات خاص و عملیاتی در حدود مصوبات کنفرانس دولتهای عضو.

۹۹- رکن اداری و تبلور دائمی بودن شخصیت این سازمان بین المللی.

100- J. Tucker (ed.), *The Chemical Weapons Convention : Implementation Challenges and Solutions*. (Monetary Institute of International Studies' Center for Non-proliferation Studies, April 2001).

۱۰۱- بند ۲۳ ماده ۶۸ کنوانسیون سلاحهای شیمیایی.

۱۰۲- جمهوری اسلامی ایران، اندونزی، چین، هند، کویا، ... و روسیه.

۱۰۳- براساس بند ۲۹ کنوانسیون، این تصمیم می بایست با رأی دوسوم اعضای شورای اجرایی یعنی ۲۷ رأی موافق تصویب می شد که فقط ۱۷ رأی مثبت حاصل شد.

104- Note by the Director - General Forwarding the Legal Adviser's Opinion Presented for Information to the Director - General on 15 March 2002, and Orally Presented by the Legal Adviser at the Seventeenth Meeting of the Executive Council on Whether or Not the Director - General may be Removed From Office Before the End of His Term, C-ss-1/DG., 21 April 2002.

105- Decision Under Item Three of the Agenda of the First Special Session of the Conference of the States Parties, First Special Session, Agenda Item 3, C-SS-1/DEC.1 (22 April 2002) ; <[http:// www.opcw.org/doc.htm](http://www.opcw.org/doc.htm)>.

106- Statement by the Director - General at the Special Session of the Conference of the States Parties, First Special Session, C-SS-1/DG.7, 21 April 2002 and C-SS-1/DG.8, 22

April 2002, <<http://www.opcw.org/doc.htm>>.

۱۰۷- تا جایی که متن تصمیم نهایی کنفرانس با پیش‌نویسی که ایالات متحده پیشنهاد کرده‌بود، تفاوت چندانی ندارد. ر.ک. به :

Note by the Director - General Draft Decision Under Item Three of the Provisional Agenda of the First Special Session of the Conference of the States Parties, Submitted by the United States of America, C-SS-1/DG.3, 19 April 2002.

۱۰۸- ر.ک. به : سیدمحمدکاظم سجادیپور، "ایران و یازده سپتامبر: چارچوبی مفهومی برای سیاست خارجی"، *سیاست خارجی*، شماره ۴، (زمستان ۸۰)، ص ۹۶۹.

109- E. Lefever, "The Limits of Arms Control Treaties", *The Washington Times*, (Nov. 14, 1999).

۱۱۰- سیدمحمدکاظم سجادیپور، *پیشین*، ص ۹۷۱.

111- Adam Daniel Roteld, "Introduction : Global Security after 11 september 2001", <http://editors.sipri.se/pubs/yb02/intro.html>, (3 - July - 2002).

۱۱۲- سیدعبدالعلی قوام، "جهانی شدن و حادثه ۱۱ سپتامبر"، *سیاست خارجی*، شماره ۴، (زمستان ۸۰)، صص ۹۹۰-۹۹۸.

۱۱۳- *همشهری*، شماره ۲۸۳۸، (۲۱ شهریور ۱۳۸۱)، ص ۲۳.

۱۱۴- همان منبع.

115- R. P. Jakubow, "International Strategic Situation", (Oct. 1999), *Directorate Research*

Notes of Department of National Defence Homepage